

سود نکرده پس اهل بیت و جماعه از هر گناه که باشد چون توبه کنند
بخشند قبول قبول فرماید و این هم در وقت هر که بداند جور
در اخبار غلم در عقیده سخنی چند رفت و گفته شد پس در وقت
اهل البیت هم حکایتی بیان کنیم که اینجا چه سعادتهاست **بدانکه علی**
هم صحابه بود و هم از اهل البیت پس دوست او و فرزندان بر همه
مسلمانان فرض عین است و هر کس که ایمان بخضه رساله بنده
صلوات الله اورد البته فرزندان او را دوست داد بلکه زنان او را
او و غلامان او و کنیزکان او دوست داد و حق تعالی فرمود جل جلاله
قُلْ لَا اسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ اَنْفُسًا اَوْ اَمْوَالًا اَوْ اَنْفُسًا اَوْ اَمْوَالًا یعنی بگوی
ای محمد من درین تبلیغ رسالت هیچ مژدی از شما نخواهم آ
انکه اقبای مراد دوست دارد و هم عکس از علی و فاطمه و فرزندان
او به پیغمبر نزدیکتر نیست رضی الله عنهم اجمعین و فرمود
اولادنا اولادنا یعنی فرزندان ما جگر گوشگان ما اند
پس هر که ایشانرا بخشم آورد مرا بخشم آورده باشد و هر کس
که مرا بخشم آورد خدای تعالی را بخشم آورده باشد

ایشان

ایشان سبب نجات و درجات باشد تا وصله جنت شان رساند
تفلسط که خواجه بازگان بود و همیشه در عایت اهل بیت
کردی و هر چه بر ایشان داری در دفتر حساب آنرا بنویسی چنانکه
یک ورق بنام علی که عاتق و آل او نوشته بود از نصاریف و فکا
مالش از دست برفت و بعایت فقیر شد تا روزی دفتر باز کرده
و نگاه در آن میکرد پس شخصی پیش وی نشسته بود چون بدان وقت
رسید با وی گفت که این معامله نزدیکتر تو کجاست پس آن خواجه
سخن طول شد که آن ناکس بگفت و کوبه بسیار بکرد پس در جواب
خضه رساله بنده **محمد صلی الله علیه و آله** در خواب و امیرالمؤمنین
در عقب پیغمبر بود پس خواجه سلام آورد و پیغمبر صلی الله علیه و آله روی
کرد و گفت یا علی وقت نیست که قرض این درویش باز دهی گفت بل
یا رسول الله اینکا آورده ام و کیسه بدست من داد و من از خوا
ستار شدم کیسه بر از زرد سرخ در دست خود دادم و بسوی خرم
و به آنجا استغفاری یافتم تا فریاد کرد آن دفتر حساب نکالدم
در قفسه پیغمبر شاه بود پس هر کس با فرزندان او یعنی حسن